

## پیش بینی تفکر استراتژیک براساس هوش های چندگانه

### زهرة شاطریان

کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

#### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش هوش های چندگانه در تفکر استراتژیک، از لحاظ هدف در گروه تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش اجرای تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری مطالعه حاضر کلیه روسا و معاونین اداره کل و مناطق آموزش پرورش استان به تعداد ۱۹۰ نفر می باشد. حجم نمونه تحقیق ۱۰۸ نفر و با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شد. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه هوش های چندگانه گاردنر و هیچ (۱۹۸۹) و پرسشنامه تفکر استراتژیک کاظمی و نارنوجا (۲۰۱۵) استفاده شد. پایایی آن ها از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۲۱ و ۰/۷۰۰ به دست آمد.

جهت تحلیل داده ها از آزمون های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده گردید. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که: مجموع هوش های چندگانه در تفکر استراتژیک مدیران نقش مثبتی ندارد و تنها هوش طبیعت گرا در تفکر استراتژیک مدیران نقش مثبت و معناداری دارد.

**واژه های کلیدی:** تفکر استراتژیک، هوش های چندگانه (هوش منطقی و ریاضی، هوش کلامی، هوش فضایی، هوش موسیقیایی، هوش درون فردی، هوش میان فردی، هوش جنبشی، هوش طبیعت گرا)

## مقدمه

امروزه افرادی موفق و کارا خواهند بود که دارای هوش سرشار باشند، بی شک در سازمان های قرن بیست و یک و با توجه به پیشرفت علوم و فنون و پیدایش نیازها و چالش های جدید، علاوه بر ماشین آلات هوشمند، منبع عظیم انسانی نقش مؤثری دارند. به نظر می رسد افراد با تفکر استراتژیک بالا، نیازمند بهره گیری از هوش های چندگانه و هوش مصنوعی ماشینی خواهند بود. چراکه تفکر استراتژیک تفکر همه جانبه و اگر است که از جنبه های مختلف هوش مانند هوش بین فردی و هوش درون فردی تأثیر می پذیرد. تغییرات شگرفی در مؤلفه های انتخاب منابع انسانی پدید آمده است که براساس آن علاوه بر شاخص های تخصص، تجربه ی کاری و سطح هوش بهر و هوش سازمانی و هوش های چندگانه نیز ارزیابی می شود. نظریه هوش های چندگانه گاردنر، یک نظریه شناخت گرا می باشد که برای انسان هوش های متفاوتی قایل است. ترکیب این هوش ها منجر به تفاوت های فردی می گردد. در این دیدگاه همه انسان ها از انواع هوش ها برخوردارند، فقط میزان آنها و نحوه ترکیب آنها با یکدیگر متفاوت است. بنابراین نظام های آموزشی باید زمینه رشد و پرورش آنها را فراهم نمایند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۲). دنیای قرن بیست و یکم در واقع دنیای استیلای فن آوری نوین و دنیای شتابزدگی تاریخ به لحاظ تغییرات و تکثرات شتاب آمیز علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خواهد بود.

با توجه به پیشرفت روز افزون فناوری و فرایند گسترش ارتباطات سازمان ها و دگرگونی های بنیادین در فرآیندهای سازمانی به همین نسبت مشکلات و مسایل سازمان ها پیچیده تر شده است. در چنین شرایطی بی شک مدیران سازمان ها و بنگاه ها می بایست توان خود را در مقابله با این مشکلات و حل آنها افزایش دهند در این راستا علاوه بر توان مدیران در پاسخگویی به تحولات و تفکر استراتژیک سازمان ها و برنامه های آنها نقش بسزایی در این فرایند دارند به طوری که یک برنامه ریزی استراتژیک موفق مبتنی بر تفکر استراتژیک مدیران می تواند به افزایش توان ضریب رقابتی و در نهایت بقای آنها در فضای رقابتی امروز کمک نماید (پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۰)، از دیدگاه مینتزبرگ، تقویت تفکر استراتژیک، به تدوین استراتژی های بهتر منجر می شود، او معتقد است مدیرانی که مجهز به قابلیت تفکر استراتژیک هستند قادرند، سایر کارکنان را به یافتن راهکارهای خلاقانه برای موفقیت سازمان ترغیب کنند (مینتزبرگ، ۱۹۹۴). آنها سازمان را آن گونه که باید باشد می بینند نه آن گونه که هست، به این ترتیب می توان تفکر استراتژیک را پیش درآمدی بر طراحی آینده سازمان دانست.

این مقاله طبق زیر ساختار بندی شده است: در بخش بعد به تعریف هوش، دیدگاه روان شناسان در مورد هوش های چندگانه، نظریه هاوارد گاردنر در مورد هوش های چندگانه، تفکر استراتژیک، تاریخچه تفکر استراتژیک، ابعاد تفکر استراتژیک، ویژگی های تفکر استراتژیک، روش پژوهش و تجزیه تحلیل داده ها و سرانجام بحث و نتیجه گیری پرداخته شده است. در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا می توان تفکر استراتژیک را براساس هوش های چندگانه پیش بینی کرد؟

## پرسش اصلی تحقیق

آیا هوش های چندگانه در پیش بینی تفکر استراتژیک نقش دارند؟

## تعریف هوش

هوش در لغت به معنی عقل، خرد، فهم و شعور آمده است. هوش به وسیله ی توارث و از راه ژن ها منتقل می شود، اما محیط و شرایط فعال و غیر فعال کننده نیز در شکوفا شدن آن نقش مهمی دارند. هوش بارزترین فعالیت قوای ذهنی در بشر است و قابلیت های متنوعی همچون استدلال، برنامه ریزی، حل مسئله و ... را در بر گرفته و به طور کلی شامل مجموعه استعدادهایی است که موجب یادگیری در فرد شده و قدرت سازگاری او را با محیط ممکن می سازد. پژوهشگران و روان شناسان مختلف هریک تعاریف مختلفی از هوش داشتند که بررسی هریک از تعاریف مستلزم بحثی جداگانه است. بنابراین نمی توان تعریف واحدی از هوش ارائه داد که مورد توافق همه ی روان شناسان باشد با این حال عناصری از هوش وجود دارند که مورد توافق غالب پژوهشگران است. این عناصر در سه دسته ی زیر قرار دارند:

۱) توانایی پرداختن به امور انتزاعی (اندیشه ها، نمادها، روابط، مفاهیم و اصول) تا امور عینی (ابزارها ی مکانیکی، فعالیت های حسی).

۲) توانایی حل کردن مسائل، یعنی توانایی پرداختن به مسائل جدید، نه فقط پاسخ های از قبل آموخته شده به پرسش های معمولی.

۳) توانایی یادگیری، به ویژه یادگیری موارد انتزاعی موجود در کلمات و سایر نمادها و نیز توانایی استفاده از آن ها (ابراهیمی بسابی و نسا، ۱۳۹۳).

### هوش از دیدگاه روان شناسان

هوش به یقین یکی از پر مشاجره ترین مباحث در روانشناسی است و به دلیل ابهام و پیچیدگی، مطالعات گسترده ای را در قرن اخیر به خود اختصاص داده است. هوش تداعی کننده منزلت پادشاه حیوانات برای انسان است که به مثابه با هوش ترین حیوان از حوزه ی علم زیست شناسی و جانور شناسی خارج شده است و علم روان شناسی آن را بررسی می کند. بسیاری از تحقیقات در این رشته بر تعریف هوش و دسته ای دیگر بر سنجش و اندازه گیری آن در سطح فردی متمرکز بوده است (قلی پور، ۱۳۸۵).

هوش یک مفهوم مبهم است که در بسیاری از زمینه ها سعی در تعریف آن شده است. بیش از دو هزار سال پیش؛ افلاطون در کتاب «جمهوریت»، هوش را تعیین کننده اصلی جایگاه سیاسی و اجتماعی افراد تعریف کرد. اما مطالعه علمی هوش، از قرن نوزدهم با ایده تفاوت های فردی در علم ژنتیک و تکامل آغاز شد. روانشناسان معتقدند هیچ شاخه ای از روانشناسی به اندازه مطالعه و ارزیابی هوش در بهزیستی انسان مؤثر نبوده است (اسماعیلی و گودرزی، ۱۳۸۶).

در مورد مفهوم هوش، روانشناسان به دو گروه تقسیم بندی شده اند: گروه اول بر این اعتقادند که هوش، از یک استعداد کلی و واحد تشکیل می شود، اما گروه دوم معتقدند انواع مختلف هوش وجود دارد. آنچه تعریف دقیق از هوش را دچار مناقشه می کند آن است که هوش یک مفهوم انتزاعی است و در واقع هیچ گونه پایه محسوس، عینی و فیزیکی ندارد. هوش، یک برجسب کلی برای گروهی از فرآیندهاست که از رفتارها و پاسخ های آشکار افراد استنباط می شود (گنجی، ۱۳۸۸).

تعریف هوش، از نظر گاردنر، که بر مبنای به رسمیت شناختن اشکال گوناگون هوش می باشد عبارت است از: قابلیت حل مسأله یا تولید (خلق) یک محصول، ساخت چیزی که دست کم در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می شود.

ریموند کتل، نیز هوش را با توجه با توانایی یا استعداد کسب شناخت های تازه و سپس تراکم شناخت ها در طول زندگی (یعنی کاربرد شناخت های قبلی در حل مسائل) بدین صورت تعریف می کند: مجموعه استعدادهایی که با آن ها شناخت پیدا می کنیم، شناخت ها را به یاد می سپاریم و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ را به کار می بریم تا مسائل روزانه را حل کنیم و با محیط ثابت و در حال تغییر سازگار شویم (عظیمی، ۱۳۸۷).

هوش از دیدگاه پیازه (من هوش را براساس ملاک ایستا آن چنان که دیگران تعریف کرده اند بلکه از لحاظجهتی که هوش در تکامل خود سیر می کند تعریف می کنم. من هوش را صورتی از تعادل یابی تعریف می کنم که تمام ساختارهای شناختی به سوی آن هدایت می شود) (حسین نژاد \_ بلفی زاده، ۱۳۸۱؛ نقل از مرادی علی، ۱۳۹۶).

نظریه ی هوش آلفرد بینه این گونه بود که نمره توسط آزمون های هوش به دست می آید و این نمره توانایی کلی است (گنجی، ۱۳۸۱؛ نقل از مرادی، علی، ۱۳۹۶).

اسپیرمن هم از طرفداران نظریه آلفرد بینه بود و هوش را یک توانایی شناختی می دانست و آن را عامل  $g$  یا هوش کلی نامید و اگر هوش کلی یا عامل  $g$  بالا باشد در اکثر زمینه ها موفق می شود و برعکس (گنجی، ۱۳۸۶؛ نقل از: مرادی علی، ۱۳۹۶). استرنبرگ نظریه ی هوش سه بعدی را ارائه می دهد، که عبارتند از:

2. Piaget
- 3 . Binet
- 4 . Spearman
- 5 . Sternberg

**هوش مؤلفه ای:** این نوع هوش بیانگر توانایی ما در پردازش اطلاعات است مانند: تفسیر موفقیت های جدید، جدا کردن اندیشه های مهم از جزئیات نامربوط و بکار بستن فرآیندهایی که به عملکرد تحصیلی کمک می کند (صادقی، ۱۳۸۴؛ نقل از مرادی علی، سالاری رسول، عابدینی ستار، رنجبری امیر، ۱۳۹۶).

**هوش تجربی:** توانایی فرد است در آمیختن تجربیات مختلف به شیوه ای بخردانه برای حل مسائل نو براساس تجربه گذشته. این هوش نشانگر خلاقیت است وافرادی مانند انیشتین و داوینچی دارای تراز بالایی از آن بودند (صادقی، ۱۳۸۴؛ نقل از مرادی علی، ۱۳۹۶).

**هوش محیطی یا موقعیتی:** به باور استرنبرگ رفتار هوشمندانه، مستلزم انطباق فرد با محیط است که این توانایی به فرد کمک می کند تا دنیای خودش را شکل دهد و مهم ترین فرصت ها را برای خود به وجود آورد و بر کنترل فرد روی زندگی اش تأثیر می کند. بنابراین اوصاف هوش محیطی نوعی هوش عینی و عملی است که بر زندگی کردن واقعی بسیار بیش تر از تفکر انتزاعی تأکید می کند. استرنبرگ هم چنین اظهار می دارد که هوش تا حدود زیادی وابسته به فرهنگ است. به طور کلی تعاریف متعددی را که توسط روان شناسان برای هوش ارائه شده است، می توان به سه گروه تربیتی (تحصیلی)، تحلیلی و کاربردی تقسیم کرد:

#### تعریف تربیتی (تحصیلی) هوش

به اعتقاد روان شناسان تربیتی، هوش کیفیتی است که مسبب موفقیت تحصیلی می شود و از این رو یک نوع استعداد تحصیلی به شمار می رود. آنها برای توجیه این اعتقاد اشاره می کنند که کودکان باهوش نمره های بهتری در دروس خود می گیرند و پیشرفت تحصیلی چشم گیری نسبت به کودکان کم هوش دارند.

#### تعریف تحلیلی هوش

بنا به اعتقاد نظریه پردازان تحلیلی، هوش توانایی استفاده از پدیده های رمزی و یا قدرت و رفتار مؤثر و یا سازگاری با موقعیت های جدید و تازه است. شاید بهترین تعریف تحلیلی هوش به وسیله دیوید وکسلر<sup>۶</sup> (۱۹۵۸)، روان شناس آمریکایی، پیشنهاد شده باشد که بیان می کند: « هوش یعنی تفکر عادلانه، عمل منطقی و رفتار مؤثر در محیط » (صبحی قراملکی، ۱۳۸۷). دیوید وکسلر، هوش را به عنوان توانایی کلی و جامع تعریف کرده است؛ یعنی مرکب از عناصر یا اجزایی است که به طور کامل مستقل از هم نیستند، و نشانه هوشمندی فرد آن است که می تواند به صورت منطقی بیندیشد و اعمال برخواسته از هوش او اعمالی هدفدار هستند و توانایی هوش به فرد این امکان را می دهد که خود را با شرایط محیط انطباق دهد (اسماعیلی، گودرزی، ۱۳۸۶).

#### تعریف کاربردی هوش

در تعاریف کاربردی، هوش پدیده ای است که از طریق تست های هوش سنجیده می شود و شاید عملی ترین تعریف برای هوش نیز همین باشد. فرانسیس گالتون<sup>۷</sup> انگلیسی (پیرو رهیافت روان سنجی) در کتاب خود، « نبوغ ارثی (۱۸۶۹) »، این نظر را مطرح کرد که توانایی های ذهنی انسان قابل اندازه گیری است. بر اساس این نظریه، بینه و سیمون<sup>۸</sup> آزمونی برای اندازه گیری هوش طراحی کردند (صادقی، ۱۳۸۸).

#### هوش های چندگانه:

گاردنر، نخستین اندیشمندی تلقی می شود که تمامی افراد را دارای توانایی های عقلانی دانسته، ادعا می کند، این توانایی ها جهت دهنده چگونگی یادگیری و پردازش اطلاعات در زندگی روزمره هستند. پس از توجه گاردنر به چگونگی یادگیری افراد، محققان بعدی به همبستگی میان هوش های چندگانه و فناوری و مریبان نیز به تدوین موادی منطبق با هوش های چندگانه مبادرت ورزیدند. به عقیده گاردنر، هریک از ابعاد هوش نباید تنها به عنوان وضعیتی معین در مغز قلمداد شود

6. Wechsler

7. Galton

8. Binet & Simon

بلکه هریک از آنها ظرفیت هایی بالقوه اند که حضورشان می تواند گونه های فکری متناسب با موقعیت خاص را برای افراد به ارمغان آورد و در موقعیتی فرهنگی برای حل مسئله به خدمت گرفته شود؛ به نظر وی، چالش هزاره سوم این است که آیا ما می توانیم از قابلیت ها و توانایی های متفاوت به عنوان کانونی برای تدریس و یادگیری استفاده کنیم یا اینکه به رفتار یکسان با دانش آموزان ادامه دهیم؟ (برمن؛ ۲۰۰۱). دیدگاه هایی مختلف در خصوص هوش وجود دارند: دیدگاه اول، هوش را یک توانایی کلی می داند؛ این در حالی است که دیدگاه دوم، هوش را توانایی یا ظرفیتی می داند که از عناصر و مؤلفه هایی گوناگون تشکیل شده است. گاردنر، هوش را ناشی از تفاوت افراد در فرایند یادگیری می داند و معتقد است که هوش را نمی توان به صورت کلی اندازه گیری کرد بلکه به صورت بخش هایی مشخص قابل اندازه گیری است (همان منبع).

امیر تیموری (۱۳۸۲)، همه افراد را دارای قابلیت پیشرفت در زمینه تمامی هوش ها دانسته، درعین حال تأکید می کند که برخی افراد، توانایی کسب دستاوردهای چشمگیرتر در رشته هایی خاص را دارند [و این نظریه]، با این ادعا هم سویی دارد که فلاحیان (۱۳۸۷) مطرح می کند، فردی با ناتوانی در ابعاد هوش جسمانی-حرکتی ممکن است که در زمینه هایی همانند فرشبافی، بسیار چیره دست عمل کند.

اگرچه گاردنر ابتدا ابعاد هوش را در هفت بعد معرفی کرد، لیکن بعدها ابعاد هوش را در قالب نه زمینه هوش منطقی-ریاضی، زبانی - کلامی، فضایی - دیداری، موسیقایی، بدنی-جسمی، درون فردی، بین فردی، هستی گرایی و طبیعی معرفی کرد (کوپر؛ ۲۰۰۸).

هوش منطقی - ریاضی، شامل توانایی درک نظام های منطقی، استدلال قیاسی، تفکر منطقی، برقراری ارتباط میان اطلاعات متنوع براساس الگوهای منطقی و بازی های قانونمند است. هوش زبانی - کلامی به توانایی استفاده از زبان، حساسیت به دستورالعمل و معنای کلمات اشاره دارد. هوش «فضایی - دیداری» به توانایی بازنمایی های گرافیکی و ترسیمی از طریق رسانه های بصری اشاره دارد؛ افرادی که دارای این هوش هستند از نقاشی، مدل سازی و بازتولید اشیاء به صورت اشکال بصری لذت می برند. هوش موسیقایی به توانایی بازشناسی الگوهای آوایی توسط فراگیران اشاره دارد. هوش جسمانی، شامل مهارت های حرکتی ظریف مانند نوشتن، نقاشی و نیز تحرک و حرکت های بدنی و هم چنین تسلط بر عملکردهای فیزیکی است؛ این هوش، وسیله ای برای درک جهان خارج تلقی میشود. منظور از هوش بین فردی، توانایی کارکردن و تشریک مساعی با دیگران در یک گروه کوچک و توانایی برقرارکردن ارتباط به صورت زبانی و غیرزبانی با افراد دیگر است؛ این هوش به استعداد درک و واکنش نسبت به خلق ها، سرشت ها، نیات و علایق دیگران نیاز دارد. هوش درون فردی به توانایی شناخت درست از خود اشاره داشته، شامل دانش درباره نقاط قوت و ضعف، انگیزه ها، اهداف، احساسات درونی، ترس ها و هیجان ها و داشتن پرسش های جدی درباره ی ابعاد مهم زندگی است (پریئو و برمیجو؛ ۲۰۰۵)

#### نظریه ی دکتر هاوارد گاردنر در مورد هوش های چندگانه:

نظریه ی هوش های چندگانه که هاوارد گاردنر در سال ۱۹۸۳ مطرح کرد مستقیماً به تفاوت های فردی، نیازها و ارزش های افراد از طریق هشت نوع هوش مجزا به نام هوش های کلامی - زبانی، منطقی- ریاضی، دیداری- فضایی، موسیقایی، اندامی-جنبشی

9 . Berman, 2001

1 . Cooper, 2008 0

1 . Prieto& Bermejo, 2005 1

میان فردی، درون فردی و طبیعت گرا توجه می کند. با انتشار کتاب قاب های ذهن‌دار سال ۱۹۸۳، گاردنر مفهوم هوش را متحول کرد که در زبان و منطق ریشه داشت. او معتقد بود که هوش نمی تواند با تست IQ اندازه گیری شود و بیان کرد که هوش های چندگانه مفهوم سنتی هوش را جمع بندی می کند (گاردنر، ۱۹۹۳؛ به نقل از سلیمی علی، تاسه یونس، ۱۳۹۴). او هوش را توانایی بیوفیزیولوژیکی در نظر می گیرد که می تواند مسائلی را حل کند که در محیطی فرهنگی ارزشمندند. در ابتدا او هفت نوع هوش به نام های کلامی \_ زبانی، منطقی \_ ریاضی، دیداری \_ فضایی، موسیقایی، اندامی \_ جنبشی، میان فردی و درون فردی را ارائه کرد و بعداً هوش طبیعت گرا را به آن افزود. گاردنر معتقد است که همه ی افراد هر هشت نوع هوش را دارند که به روش های گوناگون با هم ترکیب می شوند. هر فرد هوش های قوی و هوش های رشد نیافته ای دارد که می تواند با آموزش آن ها را توسعه دهد. طبق نظر گاردنر در سال ۱۹۹۹، توانایی های فردی می توانند با توجه به ارزش ها و موقعیت ها در فرهنگ خاص و بر مبنای تصمیمات فردی که اشخاص یا خانواده ی آن ها می گیرند فعال شوند. برخلاف دیگر محققان، گاردنر صرفاً به دیدگاه روان سنجی برای آزمودن هوش انسانی اکتفا نکرد و علائم و نشانه هایی از رشته های گوناگون مانند روان شناسی، زیست شناسی تکاملی، روان شناسی رشد و روان سنجی را مد نظر قرار داد. او هشت معیار را برای هوش در نظر گرفت:

(۱) تجزیه ی بالقوه به وسیله ی آسیب مغزی؛ (۲) تاریخ تکاملی و معقولیت تکاملی؛ (۳) هسته ی قابل شناسایی یا مجموعه ی عملیات ها؛ (۴) قابلیت کد گذاری در سیستمی نمادین؛ (۵) تاریخ مجزای رشد و مجموعه ی قابل تعریف عملکرد تخصصی؛ (۶) وجود افراد استثنائی؛ (۷) حمایت از تکالیف روان شناختی؛ (۸) حمایت از سوی نتایج روان سنجی (گاردنر، ۱۹۹۳).

گاردنر هوش های چندگانه را به روش زیر تعریف کرد:

(۱) هوش کلامی \_ زبانی: توانایی استفاده ی مؤثر از زبان به صورت گفتاری یا نوشتاری. این هوش هم چنین شامل توانایی استفاده ماهرانه از اصوات، معانی، و جوانب منظور شناسی زبان می شود (آرمسترانگ، ۲۰۰۹؛ نقل از سلیمی علی، ۱۳۹۴).

(۲) هوش منطقی \_ ریاضی: توانایی استفاده ی مؤثر از اعداد و استدلال صحیح. این نوع هوش هم چنین شامل حساسیت به الگوهای منطقی و روابط می شود.

(۳) هوش دیداری \_ فضایی: توانایی تشخیص فرم، مکان، رنگ، خط، شکل، و نمایش گرافیکی ایده های بصری و فضایی است.

(۴) هوش اندامی \_ جنبشی: توانایی استفاده از بدن برای بیان ایده ها و احساسات و حل مسائل است.

(۵) هوش موسیقایی: توانایی تشخیص ریتم، ملودی، و زیر و بمی صداست.

(۶) هوش میان فردی: توانایی درک احساسات افراد دیگر، انگیزه و نیات آن ها و انعکاس مؤثر آن است.

(۷) هوش درون فردی: توانایی درک و فهمیدن خود و تشخیص شباهت ها و تفاوت های خود با دیگران.

(۸) هوش طبیعت گرا: توانایی تشخیص و دسته بندی گیاهان، مواد و حیوانات. این هوش شامل دسته بندی گیاهان و اشیا در محیط اطراف نیز می شود.

تئوری هوش های چندگانه مورد توجه متخصصان آموزشی، زبان شناسی کاربردی، و طراحان مواد درسی قرار گرفته است (سلیمی، علی، ۱۳۹۴).

به نظر هاوارد گاردنر شناسایی و پرورش تمام هوش های بشری و کلیه ی ترکیبات آن، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ما انسان ها همگی با یکدیگر تفاوت داریم. به این علت که همگی از ترکیب های هوشی متفاوتی برخورداریم. به اعتقاد او، تشخیص این امر، موجب می شود تا با مشکلات زندگی، برخورد مناسب تری داشته باشیم (آرمسترانگ؛ نقل از ابراهیمی، و نسا، ۱۳۹۳).

### تفکر استراتژیک

تفکر استراتژیک: واژه ی « تفکر استراتژیک » امروزه اغلب به صورت گسترده و عمومی در ادبیات مدیریت استراتژیک به کار برده می شود که بیم بی معنی شدن، آن را تهدید می کند، بیش تر کسانی که از آن استفاده

می نمایند، نمی توانند آن را معنی کنند. این واژه بیش تر مفهوم تفکر در استراتژی که دارای ویژگی های خاص است، به خود گرفته است. ولی این تعاریف عام از تفکر استراتژیک منظور کسانی که این واژه را بیان نموده اند نبوده است (Liedtka<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸، نقل از محمد آبادی، افراسیابی، ۱۳۹۴). تفکر استراتژیک عبارت است از فرآیند به کار گیری تجربه های قبلی در چهارچوبی منسجم که آن را تدوین استراتژی می نامند. با پیمودن این فرآیند می توان در موقعیت های حساس و بحرانی (استراتژیک) بهترین تصمیم ها را اتخاذ نمود. تفکر استراتژیک عبارت است از استفاده از چهارچوب های ذهنی مختلف که هنوز بسیاری از آن ها ناشناخته اند. برای بررسی و تحلیل و در نهایت تصمیم گیری استراتژیک (استیسی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳، نقل از محمد آبادی، ۱۳۹۴) گری هامل<sup>۳</sup> تفکر استراتژیک را معماری هنرمندانه استراتژی بر مبنای خلاقیت و فهم کسب و کار توصیف می کند.

تفکر استراتژیک در قالب قواعد ساده و عمیق ظاهر می شود. این قواعد مدل ذهنی خاصی را ایجاد کرده و مبنای تصمیم گیری های روزانه تا جهت گیری کلی سازمان خواهد بود. تفکر استراتژیک برای سازمان و ذینفعان آن انگیزه و تعهد ایجاد می کند. این انگیزه و تعهد از طریق قدرتی به وجود می آید که در حقیقت ساده و درعین حال جذاب است (حمیدی زاده و همکاران، ۱۳۸۷). تفکر استراتژیک به معنای درک و تحلیل موقعیت بیرونی و درونی سازمان و ترکیب بهینه بین آن ها منجر به تدوین استراتژی های مناسب می شود. از طریق تفکر استراتژیک بهتر می توان از فرصت های محیطی جهت کسب مزیت رقابتی استفاده کرد و تهدیدات محیطی را تبدیل به فرصت نمود (کیسی و گلدمن، ۲۰۱۰؛ نقل از قربانی محمود، ۱۳۹۵). تفکر استراتژیک در استمرار بقا و پیشرفت در محیط متغیر و پویای امروزی نقش بسیار مهمی را بازی می کند، تفکر استراتژیک ابزاری است که به مدیران کمک می کند تا فرصت های جدید را خلق نمایند (معمایی هاجر، امینی محمد تقی، درگاهی حسین، مشایخ محمدرضا، جانبزرگی محمد، ۱۳۹۲). مدیران بایستی با آگاهی از میزان تفکر استراتژیک و تقویت آن روحیه ی کارگروهی و هم افزایی آینده نگری و درون نگری و آینده آفرینی، کل گرایی و فلسفی فکر کردن، خلاقیت و کارآفرینی، برتری طلبی در قالب جوی سالم و مطلوب را در خود تقویت و سازمان را به سازمانی متحول و استراتژیک تبدیل نمایند به طوری که تفکر استراتژیک جزء باورهای مشترک درآمده و به صورت فرهنگ سازمانی نهادی شود تا سازمان ها بتوانند در دنیای پر رقابت فعلی از طریق راهبردی فکر کردن به تحولات پاسخ مناسبی داده و آینده های دور سازمان را به تصویر کشیده و پویا بمانند (رضایی راد و همکاران، ۱۳۹۰؛ نقل از قربانی محمود، ۱۳۹۵).

**تاریخچه ی مفهوم تفکر استراتژیک:** در مطالعات تفکر استراتژیک بسیاری از محققین سعی داشته اند تا تعریفی منسجم برای این مفهوم ارائه دهند. به طور مثال از دیدگاه هنری مینتزرگ، تفکر استراتژیک، یک فرآیند سنتز ذهنی است که از طریق خلاقیت و شهود، نمای یکپارچه ای از کسب و کار در ذهن ایجاد می کند. گارات، تفکر استراتژیک را فرآیندی می داند که به واسطه آن مدیران با نگرستن از بالا به بحران و فرآیندهای مدیریتی روزانه، دیدگاه متفاوتی از سازمان و محیط متغیر آن کسب می کنند (مینتزرگ، ۱۹۹۸). شناخته شده ترین مدلی که در ادبیات تفکر استراتژیک بسیار از آن استفاده شده است، مدل جین لیدکا است که پس از آن؛ اوشاناسی هم مدلی مشابه و در سطح مفهومی ارائه کرده است. مدل لیدکا شامل پنج رکن به ترتیب شامل نیت متمرکز، چشم انداز سیستمی، تفکر در زمان، پیشروی با فرضیه و فرصت جویی هوشمندانه است. در دیگر پژوهش ها، سعی شده است تا مفهوم تفکر استراتژیک به طور منسجم تری مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور برخی از محققین به مقایسه تفاوت های این مفهوم با برنامه ریزی استراتژیک می پردازند. مینتزرگ عقیده دارد که برنامه ریزی استراتژیک باید بعد از تفکر استراتژیک اتفاق بیفتد (مینتزرگ، ۱۹۹۸). از نظر هر اکلوس، برنامه ریزی استراتژیک در طول زمان به تفکر استراتژیک تکامل پیدا کرده است. وی از تفکر استراتژیک به عنوان یادگیری دوحلقه ای و از برنامه ریزی استراتژیک به عنوان یادگیری تک حلقه ای یاد می کند. او بر این عقیده است که استراتژی های خلاق و پیشگام نشأت گرفته از تفکر استراتژیک باید از طریق برنامه ریزی استراتژیک عملیاتی شود. اگرچه برنامه ریزی امری حیاتی و ضروری است، اما نمی تواند استراتژی ها منحصر

1 . Liedtka.j.m, 1998 3  
1 . Stcey 4  
1 . Hamel 5  
1 . Mintzberg et al, 1998 6



به فردی ایجاد نماید که بتواند مرزهای صنعت را به چالش کشیده و تعریفی دوباره از صنایع ارائه کنند (هراکلیوس، ۱۹۹۸). علاوه بر این، تحقیقات دیگری نیز انجام گرفته است که به چگونگی بهبود توانایی و مهارت استراتژیک در سازمان‌ها می‌پردازند. گلدمن توانایی فکر کردن به صورت استراتژیک را یک نیاز به طور فزاینده مهم برای مدیران در تمام سطوح سازمانی توصیف می‌کند و در تحقیق خود توانایی تفکر استراتژیک را به عنوان مدلی تعاملی مورد بررسی قرار می‌دهد که در ارتباط با فاکتورهای گوناگون از جمله فرهنگ سازمانی؛ سابقه و تجربه کاری مدیران می‌تواند تضعیف یا بهبود یابد (گلدمن و کیزی، ۲۰۱۰).

### مؤلفه های نظریه های تفکر استراتژیک (۱۹۹۵-۱۹۹۸)

#### تعاریف و مفاهیم تفکر استراتژیک:

تفکر استراتژیک به تحلیل فرصت‌ها و مشکلات از نگاهی جامع می‌پردازد و پیامدهای احتمالی کارهای شما را بر دیگران مدنظر قرار می‌دهد. متفکران استراتژیست تصویر آینده را ترسیم می‌کنند و رویکردی عمل‌گرا به چالش‌ها و مسایل روزمره دارند. آنان این کار را طی فرآیندی مستمر انجام می‌دهند و آن را یک اقدام نمی‌دانند. شما مثل سایر مدیران پیوسته با موقعیت‌های دشوار، مشکلات و یا تصمیم‌های چالشی مواجه هستید. کار شما انجام بهتر کارها تا حد توان و با کمک اطلاعات در دسترس است. در دنیای ایده آل، شما به تمام اطلاعات مورد نیازتان برای غلبه بر چالش‌ها دسترسی دارید. اما بی‌تردید در دنیای واقعی تنها بخشی از اطلاعات در اختیار شماست و چون شما در بخشی از سازمان کار می‌کنید، اطلاعات محدودی از نیروهای بیرون از حوزه نفوذ خود دارید. تفکر استراتژیک به شما کمک می‌کند تا بر این محدودیت‌ها غلبه کنید. وقتی استراتژیک بیندیشید، برفراز کارهای روزمره قرار می‌گیرید و محیط بزرگ تری را که در آن کار می‌کنید، در نظر خواهید داشت. شما فرضیه‌های نحوه‌ی انجام کارها در شرکت و صنعت را به چالش می‌کشید. اطلاعات پیچیده و گاه مبهمی را جمع کرده و تحلیل می‌کنید. از نتایج حاصل از تحلیل‌ها، برای تعیین موضوع‌های اصلی و اقدام‌های مناسب بهره می‌برید. تمام کارهای بالا با این دید دنبال می‌شوند که به بهترین نتایج ممکن برای کسب و کار دست بیابید و از فرصت‌های امروز استفاده کنید (سلطانی مسعود، مترجم؛ ۱۳۹۲).

چرا تفکر استراتژیک مهم است؟ وقتی شما تفکر استراتژیک داشته باشید، مزایای مهمی برای سازمان شما خواهد داشت. نگاهی در گروه شما حاکم می‌شود که با استراتژی شرکت هماهنگ است. تصمیم‌های هوشمندانه بلندمدتی می‌گیرید که با تصمیم‌های دیگران در سازمان هم سو بوده و آن‌ها را تکمیل می‌کند. تعهد کارکنان را برای حمایت از تصمیم‌هایتان جلب خواهید کرد. عملکرد گروه خود را بهبود داده و نتایج کسب و کار به حداکثر می‌رسد. فرهنگی را ترویج می‌کنید که در آن از تفکر ناب حمایت می‌شود و اقدام‌های استراتژیک تشویق می‌شوند. تفکر استراتژیک برای شما مزایای شخصی و حرفه‌ای ارزشمندی نیز دارد. از جمله می‌توان به اعتماد و احترام همکاران، مدیران و افراد تحت سرپرستی اشاره کرد (سلطانی مسعود، ۱۳۹۲). مینتز برگ استراتژی را نه صرفاً یک برنامه با نگاه رو به جلو می‌داند بلکه به استراتژی به عنوان یک الگو می‌نگرد که به رفتار گذشته نیز نظر دارد. او اساساً بر این معنا تکیه دارد که استراتژی یعنی دیدن و برای دیدن وجوه شش‌گانه دیدن، جلو، عقب، بالا و پایین و چپ و راست را قائل می‌شود و تأکید می‌کند که دیدن کامل عبارت است از در نظر گرفتن تمامی این نوع دیدن‌ها. او معتقد است استراتژی عمدتاً از دیدن تعاملات و فرآیندهای گوناگون بیرون می‌آید بدین جهت همواره در حال تکوین است مینتزبرگ چنین استراتژی را استراتژی چترگونه می‌نامد. که طرح کلی آن از پیش‌سنجیده و طراحی شده است، اما جزئیات آن در حین عمل شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد (ترجمه هرندی عطا، ۲۰۱۵).

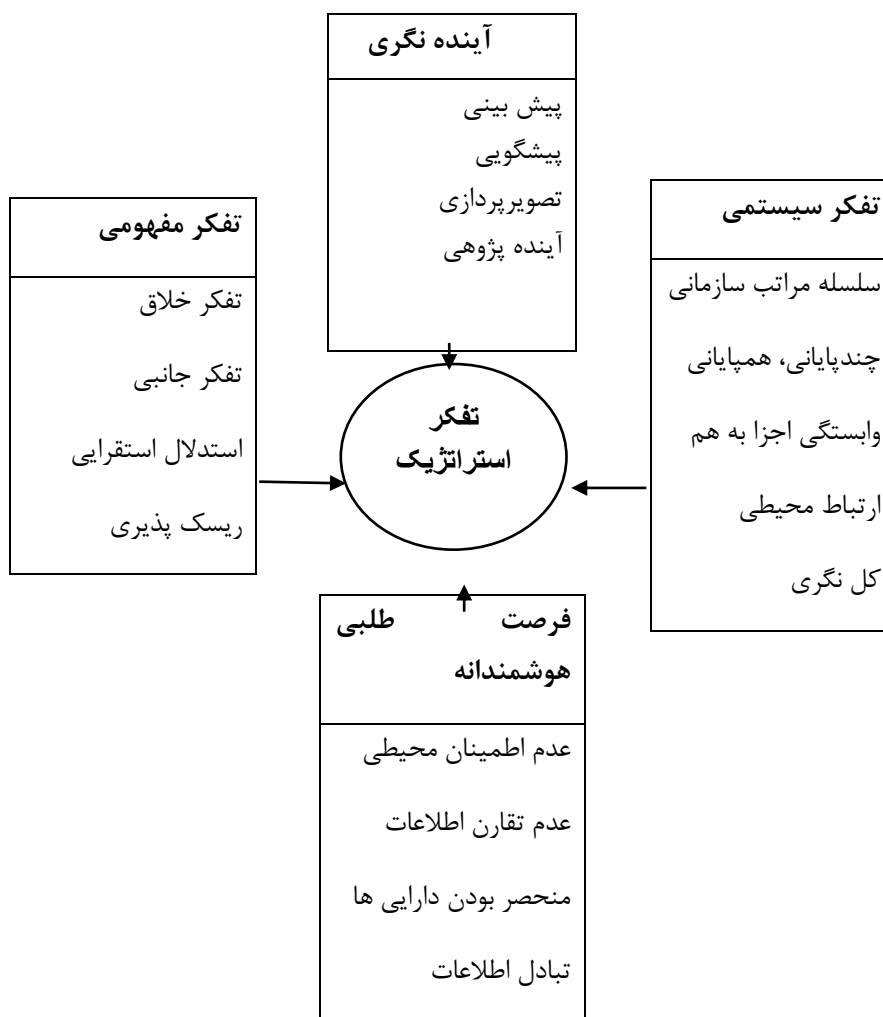
1 . Heracleous, 1998 7

1 . Goldman and Casey, 2010 8



### فاکتورهای تفکر استراتژیک

**تفکر مفهومی:** شامل خلاقیت، شهود، تفکر استقرایی، تفکر جانبی، ریسک پذیرگوش دادن به صداهاى جدید، ایجاد شورو شوق در سازمان، استقبال از تجربه های جدید، ترسیم چارچوب جدید فکری، ایجاد محاورت جدید(عثمان نجاج، ۲۰۱۴).  
**تفکر سیستمی:** شامل سلسله مراتب سازمانی، چند پایانی، هم پایانی، وابستگی اجزا به هم، ارتباط محیطی، کل نگری.  
**فرصت طلبی هوشمندانه:** شامل عدم اطمینان محیطی، عدم تقارن اطلاعات، منحصر بودن دارایی ها، تبادل اطلاعات.  
**آینده نگری:** شامل پیش بینی، پیشگویی، تصویرپردازی، آینده پژوهی.



### مدل مفهومی تفکر استراتژیک مدل گلدمن در دانشگاه

#### ابعاد تفکر استراتژیک

ابعاد تفکر استراتژیک عبارتند از: الف) توانایی مدیر برای درک جامع چشم انداز، ب) توانایی مدیر به رویکرد منطقی و عقلانی، ج) توانایی مدیر برای جلب توجه دیدگاه های مختلف، د) دانش کاری قبلی در تحقیق حاضر سوالات پرسشنامه به تفکیک مؤلفه های ابعاد تفکر استراتژیک به این شرح است:

#### الف) توانایی مدیر برای درک جامع چشم انداز

- ۱) در سازمان ما مدیران رده بالایی بدون در نظر گرفتن عوامل کنترلی و به صورت خودکار وظایف خود را انجام می دهند.
- ۲) در سازمان ما مدیران نتایج خوب به دست آمده از مسائل مختلف را با دیگران تقسیم می کنند.
- ۳) مدیران در سازمان خود را به عنوان عضوی از یک تیم می دانند.

۴) در سازمان ما مدیران توانایی خوبی در برطرف کردن نواقص و کنترل شرایط خاص دارند.

**ب) توانایی مدیر به رویکرد منطقی و عقلانی:**

۱) به عنوان یک عضوی از سازمان به طور مستقیم در مورد آن چه که به صورت غیر معمول و منحصر به فرد در سازمان اتفاق می افتد درگیر می شوم.

۲) همه افراد در سازمان ما به عنوان عضوی از یک کل در مورد چالش های مهم و حیاتی برای سازمان هم فکری می کنیم.

۳) مدیران در سازمان بدون نادیده گرفتن به تمام سؤالات و مسائل کارکنان رسیدگی می کنند.

**ج) توانایی مدیر برای جلب توجه دیدگاه های مختلف:**

۱) مدیران در سازمان ما از توانایی بالایی برای پیدا کردن راه حل و جایگزین برای مشکلات سازمان برخوردار می باشند.

۲) در سازمان ما در هنگام مواجهه با مسائل مختلف راه های مختلف بررسی و امتحان می شوند.

۳) من به عنوان عضوی از سازمان به دنبال یافتن دیدگاه های مختلف نسبت به مسائل مختلف در رابطه با امورات سازمان هستم.

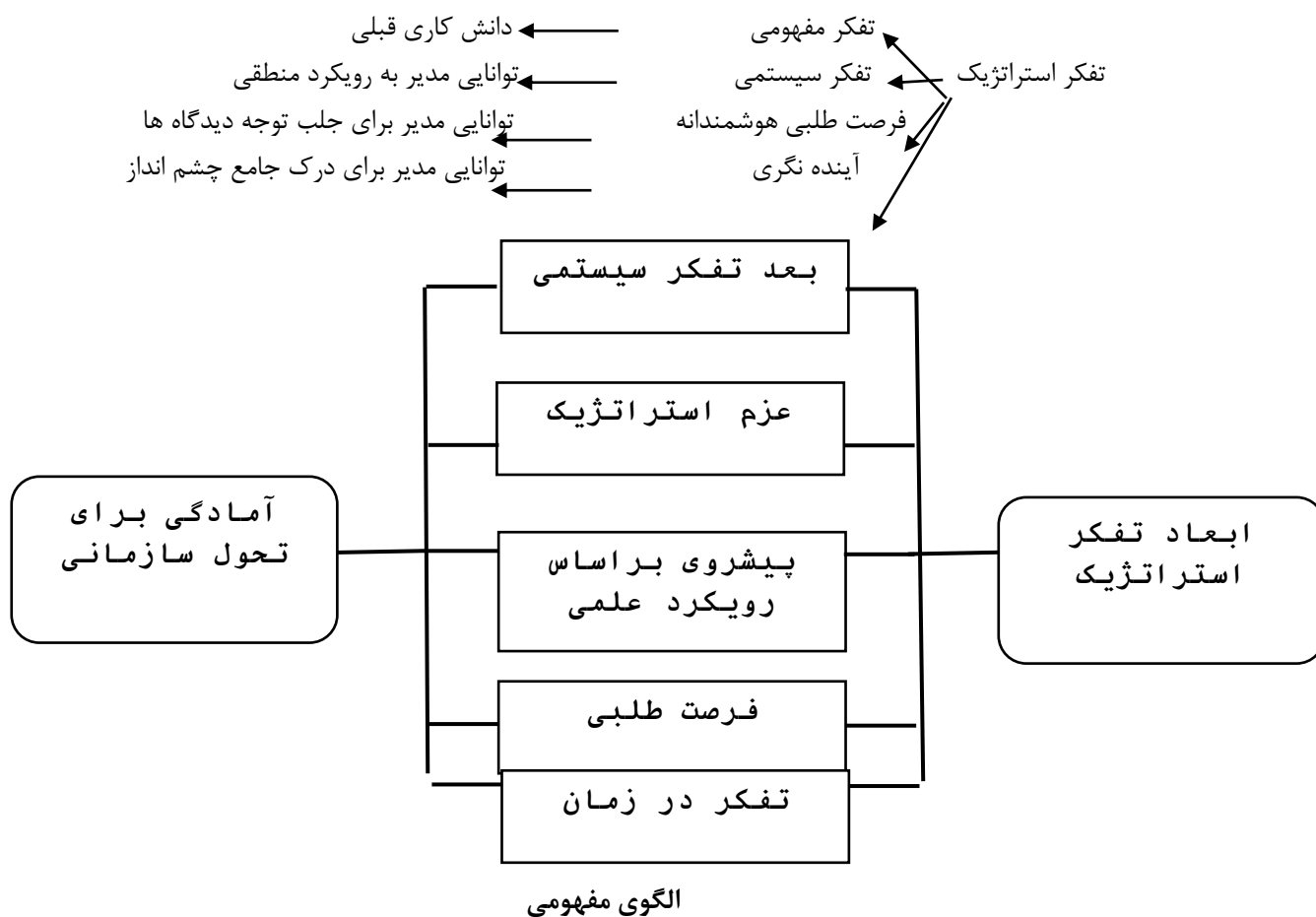
**د) دانش کاری قبلی:**

۱) در سازمان ما برای انجام فعالیت ها به روش های جدید روی می آوریم.

۲) در سازمان در صورت بروز مشکل تمام فعالیت های سازمان و کارکنان مورد بازنگری و بررسی قرار می گیرد.

۳) در سازمان ما مدیران برای بهبود فعالیت ها به کارکنان خود کمک می کنند.

براساس مدل مفهومی تفکر استراتژیک و ابعاد تفکر استراتژیک می توان نتیجه گرفت:



## یافته های پژوهش

کوثری، سمیرا و ترکاشوند(۱۳۹۸) با پژوهشی تحت عنوان «شناسایی کیفیات فضایی موثر بر پرورش هوش های چندگانه در فضاهاى مدرسه (نمونه موردی: مدارس ابتدایی شهر مشهد)» به رهنمودهایی دست یافتند که هدف آن افزایش مطلوبیت فضاهاى مدرسه در انجام فعالیت های تقویت کننده هریک از هوش های چندگانه و ارتقا این هوش ها در دانش آموزان است. برنج فروش آذر، گیتی و نوروززاده(۱۳۹۷) با پژوهشی تحت عنوان «تاثیر هوش های زبانی-کلامی، تجسمی- فضایی و موسیقیایی دانش آموزان در یادگیری زبان انگلیسی» نتیجه گرفتند که هوش تجسمی- فضایی دانش آموزان در یادگیری زبان انگلیسی و مهارت های شنیدن، صحبت کردن و نوشتن تاثیر مثبت دارد و هوش موسیقیایی دانش آموزان در یادگیری زبان انگلیسی و مهارت های شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن تاثیر منفی دارد. دو نتیجه اخیر از لحاظ آماری معنی دار نبوده است. رونقی، سیده شیوا(۱۳۹۷) با پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارتباط بین تفکر استراتژیک با هوشمندی و نوآوری سازمانی ادارات ورزش و جوانان استان زنجان» نتایج این پژوهش نشان داد که وضعیت متغیر تفکر استراتژیک مطلوب است و مدیران با استفاده از ابزار تفکر استراتژیک به هوشمندی سازمانی و به دنبال نوآوری در کارکنان دست می یابند. شرفخانی، جعفر؛ عبدالمهی پور، الهه و مظفری(۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط تفکر استراتژیک و هوش سازمانی در شرکت های تعاونی مشابه حمایت صندوق کارآفرینی امید استان ایلام» دریافتند ارتباط معنادار هوش سازمانی و مولفه های آن با تفکر استراتژیک در شرکت های تعاونی مشابه حمایت صندوق کارآفرینی امید استان ایلام است.

شکوهی، فرزین(۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین تفکر استراتژیک و هوشمندی سازمانی با عملکرد شرکت های دانش بنیان» نتیجه گرفتند که ارتباط معنی داری بین تفکر استراتژیک و عملکرد و هوشمندی سازمانی وجود دارد.

فرزام فر، پگاه؛ علی حیرانی و شاپور کوهکن (۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان «رابطه هوش جنبشی- بدنی با مدیریت کلاس معلمان تربیت بدنی ناحیه ۳ شهرستان کرمانشاه با تاکید بر تفاوت های جنسیتی» نتیجه گرفتند که میانگین هوش جنبشی- بدنی در آقایان بیش تر از خانم ها می باشد و بین معلمان زن و مرد در مدیریت کلاس تفاوت وجود دارد.

آتش افروز، عسگر(۱۳۹۶) طی پژوهشی با عنوان «اثربخشی بازی های فکری بر تقویت هوش فضایی کودکان» دریافتند که انجام بازی های فکری مذکور توانسته است به طور معنی داری توانایی هوش فضایی گروه نمونه را بهبود بخشد. هاشمیان رستمی، سیده نیره و قاسمی دادوکلایی(۱۳۹۶) طی پژوهشی با عنوان «رابطه هوش کلامی با مهارت حل مسئله ریاضی در دانش آموزان پایه پنجم شهرساری» دریافتند که بین هوش کلامی دانش آموزان پایه پنجم با مهارت حل مسئله ریاضی آن ها رابطه معناداری وجود دارد.

محمدآبادی و افراسیابی(۱۳۹۵) در طی تحقیقی به بررسی رابطه هوش های چندگانه و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران مقطع متوسطه شهرستان مانه و سملقان پرداخته اند. محققین هدف خود را از این پژوهش بررسی رابطه هوش های چندگانه هاوارد گاردنر (هوش میان فردی، هوش حرکتی/جسمانی، هوش بصری/فضائی) و مهارت تفکر استراتژیک مدیران و دبیران شهرستان مانه و سملقان بیان کرده اند. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است و جامعه آماری شامل ۲۰۰ نفر بوده که تعداد ۱۲۷ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شده است، در گردآوری داده ها از دو پرسشنامه استاندارد هوش های چندگانه و مهارت تفکر استراتژیک استفاده گردید. تفکر استراتژیک سازمانی اهمیت بسزایی دارد و با ارتقاء هوش چندگانه، تفکر استراتژیک نیز ارتقاء می یابد.

رحیمی و فضیلتی(۱۳۹۵) در تحقیقی کاربردی نظریه ی هوش های چندگانه گاردنر در آموزش و یادگیری را مورد بررسی قرار داده اند. روش پژوهش حاضر یک مطالعه ی مروری است که با استفاده از مقاله های پژوهشی فارسی و انگلیسی در یک بازه ی زمانی ده ساله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ بررسی گردیدند و در نهایت ۳۰ مقاله فارسی و انگلیسی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که اهمیت نظریه ی هوش های چندگانه در آموزش و یادگیری باعث گسترش راهبردهای آموزش فعال و افزایش سطح یادگیری نوآموزان و دانش آموزان شده است. همچنین کاربرد این نظریه به عنوان ابزاری مناسب در برنامه درسی مدارس مورد استفاده قرار گرفته است.

میر باقری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر هوش چندگانه و کیفیت تصمیم‌گیری مدیران بر نوآوری استراتژیک در اداره کل گمرک شهرستان آستارا پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه کارکنان اداره کل گمرک شهرستان آستارا به تعداد ۱۶۵ نفر تشکیل می‌دهد که نمونه‌ای متناسب با جامعه آماری پژوهش به تعداد ۱۶۵ نفر و به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده و پژوهش به روش همبستگی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد بوده که بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخ‌گویان توزیع گردید. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از ضرایب آماری متناسب با نوع متغیرها (تکنیک تحلیل ساختاری عاملی و تحلیل مسیر و به کمک نرم افزار لیزرل به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق و به منظور بررسی تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های شخصیتی، از روش رگرسیون سلسله‌مراتبی به کمک نرم افزار SPSS محاسبه و مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان دهنده این موضوع بود که هوش چندگانه بر تصمیم‌گیری مدیران در اداره کل گمرک شهرستان آستارا با تعدیل‌گری نوآوری استراتژیک تأثیر دارد زیرا تجزیه و تحلیل آماری بین این دو نشان دهنده معنی‌داری مسیر مابین دو متغیر برابر ۱۵ می‌باشد و چون این مقدار بزرگ‌تر از ۱ می‌باشد، از این رو مورد تأیید قرار می‌گیرد. از طرفی چون عدد معنی‌داری به دست آمده مثبت می‌باشد این اثر مستقیم می‌باشد.

موغلی، علی رضا و افشاری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش سازمانی» نتیجه گرفتند که بین مولفه‌های هوش هیجانی و هوش سازمانی رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

قربانی و قاسم زاده (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی رابطه‌ی بین ابعاد تفکر استراتژیک مدیران و میزان آمادگی برای تحول سازمانی در فرودگاه‌های استان خراسان رضوی پرداخته‌اند. جامعه آماری در این پژوهش شامل ۲۴۵ نفر از مدیران و کارمندان فرودگاه‌های استان خراسان رضوی که منظور تعیین تعداد نمونه آماری از جدول کرجسی و مورگان استفاده و در نتیجه تعداد نمونه ۱۴۶ نفر و نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های تعیین ابعاد تفکر استراتژیک مدیران (مدل جین لیدکا) و پرسشنامه‌ی میزان آمادگی برای تحول سازمانی جان گاتر و پیتز دراکر، استفاده گردید. براساس نتایج حاصل از اجرای آزمون همبستگی پیرسون، می‌توان گفت: بین بعد تفکر سیستمی و میزان آمادگی برای تحول سازمانی رابطه مثبت وجود دارد و پیشنهاد می‌شود مدلی برای پیاده‌سازی ابعاد تفکر استراتژیک در فرودگاه‌های استان خراسان رضوی تهیه و تدوین شود و عملکرد آن‌ها براین اساس مورد ارزیابی قرار بگیرد تا تحول سازمانی در راستای بهبود عملکرد قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد.

مرادی، سالاری، عابدینی و رنجبری (۱۳۹۴) طی پژوهشی کاربرد هوش‌های چندگانه در آموزش را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف این پژوهش این است که اطلاعاتی از کاربرد هوش‌های هشت‌گانه در آموزش به دست آورده و در طرح درس از آن استفاده کنیم علاوه بر آن اطلاع از مشکلات احتمالی در اجرای این طرح در روند آموزش به دست آوریم. این پژوهش که به روش توصیفی-مروری انجام شده است نتایج آن بدین گونه است که باید آموزش براساس آن به صورت مستمر و مداوم باشد و از این روش باید در دروس و مباحث مختلف استفاده شود و این که ما می‌توانیم با اجرای این طرح برنامه‌ی ارزشیابی توصیفی را به خوبی انجام دهیم.

حاتمی تیروری و صباحی زاده (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط هوش‌های چندگانه گاردنر با مهارت مدیران در مدارس ابتدایی شهرستان میناب پرداختند و نتیجه گرفتند که هوش میان فردی قوی‌ترین قدرت پیش‌بینی مهارت‌های مدیران مؤثر و هوش زبانی-کلامی قوی‌ترین قدرت پیش‌بینی مهارت‌های انسانی مدیران را دارد. کشاورز و خواجه پورسوق (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «تدوین مدل ارتباطی هوش‌های چندگانه و هوش سازمانی در اداره کل ورزش و جوانان استان کهگیلویه و بویراحمد» دریافتند که هوش‌های چندگانه و هوش سازمانی در اداره کل مذکور در سطح مطلوبی قرار دارند. بین هوش‌های چندگانه و هوش سازمانی و مؤلفه‌های آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. هم‌چنین هوش هیجانی با ضریب ۵۲٪ بر هوش سازمانی اثر گذار بود. مدل ارتباطی آن‌ها از برازش مطلوبی برخوردار است.

رحمانی و اصغرزاده (۱۳۹۳) در تحقیقی رابطه بین هوش سازمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران در محیط کسب و کار مطالعه موردی: شرکت پالایش گاز سرخون و قشم بررسی کرده‌اند. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش کلیه مدیران شرکت

پالایش گاز سرخون و قشم به حجم ۴۰ نفر بوده به منظور انجام تحقیق انتخاب شده و از طریق پاسخگویی به پرسشنامه هوش سازمانی مدل دارل آلبرخت و پرسشنامه قدرت تفکر استراتژیک مورد بررسی قرار گرفتند. این تحقیق از نوع همبستگی بوده است. محققین در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS استفاده کرده اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در فرضیه اصلی تحقیق بین هوش سازمان و قدرت تفکر استراتژیک در مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نتایج حاصل از بررسی فرضیات فرعی نشان می دهد که بین متغیرهای مورد مطالعه در تمامی فرضیات فرعی تحقیق یعنی مولفه های هوش سازمانی بر اساس هفت بعد تقسیم بندی مدل البرخت که شامل: چشم انداز استراتژیک، سرنوشت مشترک، میل به تغییر، روحیه، اتحاد و توافق، فشار عملکرد و گسترش دانش (و قدرت تفکر استراتژیک مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

معمایی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان سنجش تفکر استراتژیک در بین مدیران ستادی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، به بررسی نمونه ای متشکل از ۹۷ نفر پرداخته اند. نتایج بدست آمده بیانگر این است که مدیران دانشگاه در حد خوبی پایبند به تفکر استراتژیک هستند. تفکر سیستمی بالاترین کاربرد را در این سازمان داشته و کمترین کاربرد در زمینه فرصت طلبی هوشمندانه است.

عبدالمی و حیدری فرد (۱۳۹۲) طی پژوهشی به بررسی رابطه هوش سازمانی با اثربخشی مدیران پرداختند و نتیجه نشلن داد که میزان هوش سازمانی مدارس و اثربخشی مدیران در جامعه ی آماری مورد مطالعه بالاتر از میانگین است. هم چنین مؤلفه ی کاربرد دانش بالاترین ضریب همبستگی را با اثربخشی مدیران نشان داد. بنابراین کاربرد مؤثر دانش به شکل گیری سازمان های هوشمند می انجامد و مدیران برای ارتقای هوش سازمانی مدرسه باید فرصت ها و امکانات لازم را برای معلمان در جهت تغییر و بهبود برنامه ها فراهم نمایند.

نصیری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین مهارتهای مدیران با هوش چندگانه آنان در مدیران متوسطه شهر همدان پرداختند. محققین در این تحقیق دبیران متوسطه شهر همدان در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ را به عنوان جامعه مورد بررسی انتخاب کردند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل های صورت گرفته نشان داده است که بین مهارت انسانی با هوش های کلامی، موسیقایی و برون فردی با سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار وجود دارد. بین مهارتهای ادراکی با هوش های ریاضی- منطقی و درون فردی با سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار وجود دارد، بین مهارت فنی با هوش های دیداری- فضایی و جسمی- حرکتی با سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار وجود دارد.

سالاری نهند (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان شناسایی مؤلفه های تفکر استراتژیک و رابطه آن در بهبود فرآیند تصمیم گیری مدیران (مطالعه موردی در سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان) مؤلفه های بدست آمده از پژوهش این محقق «استفاده از ایده ها و راحل های جدید»، «فرصت طلبی، خلاقیت»، «تفکر سیستمی»، «تفکر در زمان»، «اثر بخشی» است که به عنوان مؤلفه های اصلی تفکر استراتژیک می باشد، که براساس نتایج پژوهش از میان آنها مؤلفه های «فرصت طلبی» بیشترین تأثیر و «خلاقیت» کمترین تأثیر را بر فرایند تصمیم گیری دارند.

زاهد بابلیان و معینی کیا (۱۳۸۹)، در تحقیقی جایگاه هوش های چندگانه را در دست یابی به اهداف مراکز آموزش الکترونیکی بررسی کردند. محققین در این تحقیق بیان کردند با توجه به ساختار و ماهیت فعالیت در موسسات آموزشی الکترونیکی، اعضا با هم افزایی از طریق فعالیت تکمیلی و با جهت گیری متحدانه، می توانند تکالیف و وظایف محوله را بهتر انجام دهند. به عبارتی ماهیت سازمانی مؤسسات آموزشی الکترونیکی به وجود ساختارهای سیستمی مشخص نیازمند است که نمیتوان در طراحی و تحقق چنین سیستمی، آنها را نادیده گرفت. هیچ کدام از این اجزای نظام آموزش الکترونیکی، در حالت معمول، به طور منفرد کار نمیکند. در واقع امکان عملکرد مؤثر و موفقیت آمیز برای هر بخش در فعالیت های انفرادی بدون دریافت کمک از دیگر واحدها غیرعملی است. هم کوشی فعالیت ها در این رویکرد سازمانی، کارکنان چنین سازمان هایی را مجبور مینماید تا دارای مهارت های متنوع و بسیاری باشند. هم چنین محققین بیان کرده اند که به کارگیری گسترده مهارت ها و توانمندی های هوش چندگانه در کار تیمی سنگ بنای کیفیت نتایج و خدمات است.

مشبکی و خزائی (۱۳۸۷) تحقیقی با هدف تعیین عناصر تفکر استراتژیک در سازمانهای ایرانی و همچنین شناسایی روابط و تعاملات موجود میان عناصر مذکور انجام داده اند، که شناسایی عناصر تفکر استراتژیک و تعیین روابط متقابل و تعاملات آنها از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظرات خبرگان انجام شده است، نتایج با بهره گیری از متدولوژی مدل سازی ساختاری تغییری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در قالب یک مدل ارائه شده است. آیدوغان، گوکان و جابست و لوی و دهنینگ و زیل و مولر و کوچر (۲۰۱۸) طی تحقیقی با عنوان تاثیر هورمون اکسی توسین (هورمون افزایش انقباضات عضلانی و هورمون شیردهی زنان) روی شکل گروهی و تفکر استراتژیک مردان: از داده های ما دلیل اصلی که اکسی توسین تاثیر مثبت روی تفکر استراتژیک دارد به دست آمده و کارایی اش در گیم مسابقه ای پی- بیوتی. ما دلیل آوردیم که تاثیر مضر روی آرایش و شکل گروهی، در یک افزایش تجربه استراتژیک شرکت کننده هایی که با اکسی توسین مورد بررسی قرار گرفته اند، ممکن است عمیق باشد.

پرینس، ملوین و پریپوراس (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان کاربرد آگاهی درک مستقیم برای شغل دانشجو با افزایش مهارت های تفکر استراتژیک، این مقاله در قالب موضوع کاربرد دارد، ما نقش بازی و اثرات دانش تجربی را روی ارزیابی شغل دانشجوی فارغ التحصیل و ایجاد تصمیم مستقیم تست کردیم.

کاکس، کالب آ؛ ستودارد، بروک (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان تفکر استراتژیک در جنس بازی های عمومی با تیم ها، انجام دادند و امتحان کردند بحث استراتژیک را در محدوده ی تیم ها و پیدا کردند دلیل ومدرك قوی مربوط به تاثیرات تکرار گیم را و منحصرآ دلایل قیاسی وارونه کل از جزء. آن ها همچنین دلیل گنج کننده ای پیدا کردند و منابع بالقوه آن ها را کشف کردند. النخبی و بارزا (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر هوش های چندگانه روی دستیابی و گرایش دانش آموزان پایه ششم به علم پرداختند و نتایج نشان داد که دانش آموزانی که با بکار گیری براساس هوش های چندگانه فکر کردند، استراتژی های بزرگ تر داشتند برای دستیابی زیادی به علم و گرایش های بهتری به یادگیری علم از دانش آموزانی که با روش های سنتی فکرمی کردند.

پنزیسکی، استفان (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان تفکر استراتژیک: اثر بازی، نشان می دهد که تنظیم سرعت مجازی سمعی بصری بازی رابطه معنی داری روی شکل سطح پراکندگی دارد. تجزیه تحلیل داده ها کمک می کند روی ارتباط درون تیمی که برنامه نویس نشان می دهد باثبات (پایا) باشد و نسخه کپی یا مدل.

بوهالی، راتیبا ومکداد و لیسیر و فرخواه (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان نقش های رهبری برای نوآوری (تغییر): تفکر استراتژیک و برنامه ریزی، نتیجه گرفتند این مقاله ائتلافی از نقش های رهبری برای نوآوری وتغییر با تمرکز روی تفکر استراتژیک و برنامه ریزی در یک تلاش برای ایجاد ارتباطات ضروری و امتیازات مهم را ارائه می دهد.

کالابرس، آماندو؛ کوستا، رابرتا (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان تفکر استراتژیک و نوآوری در تجارت: ربودن عنصر اصلی سوق الجیشی رهبران، مدل پیشنهادی آزمایش شده توسط استخدام نیمه استاندارد تکنیک نردبانی روی نمونه رهبران استراتژیک شرکت های خدماتی.

کاظمی، سیده آسیه زینب و نارانجا (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان ترویج تفکر استراتژیک در رهبران سازمانی توسط برنامه ریزی پشتیبان محیط کار، دریافتند با مجموعه ی فعالیت ها شامل: تعلیم و تربیت مخصوص، افزایش مهارت و ابتکارات یادگیری، رهبرانی با مهارت بالای تفکر استراتژیک تربیت کند که آن ها گروه های کار را رهبری کنند.

آرماندو و رابرتا (۲۰۱۵)، در پژوهشی نظری، تحت عنوان تفکر استراتژیک و نوآوری کسب وکار، مدلی تئوریکی از تفکر استراتژیک ارائه کردند، که نشان داد تفکر استراتژیک رهبران فرآیندی شناختی است.

نجاح (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان کشف مهارت های تفکر استراتژیک در روند تکلیف محوردر کلاس زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم ESL اشاره می کند که زبان انگلیسی به عنوان آموزش های متوسط در بیش تر دانشگاه های مالزی به کار می رود که به عنوان زبان دوم بیش تر دانشجویان مشکلاتی به وجود می آید، در پیشرفت زبان تخصصی، نوشتن گزارش برای روند تکلیف محور. از این رو این مقاله متمرکز شده روی یک تحقیق با کاربرد اجزا مهارت های تفکر استراتژیک که کمک می کند

به بهبود یادگیری زبان و هم چنین روند اصلی تکلیف محور. یک محقق توسعه داده طبقه بندی طراحی شده مشکلات زبان در نوشتن در بین ۵۰ نفر از دانشجویان در کلاس. پرسشنامه ی استراتژی های انگیزه یادگیری (MSLQ) مطابقت داشت با جریان بافت به کاربرده شده اندازه گیری استراتژی های یادگیری. انگیزه و یادگیری آگاهانه در قبل و بعد درمان علاقه و انگیزه در یادگیری زبان دانشجویان ضعیف. نتایج نشان داد که طبقه بندی هردو یعنی یادگیری زبان و روند تکلیف محور را بهبود بخشید.

نموتو، یوتارو؛ یوئی، کنتارو؛ فوجی وارا، تاکشی و میزوگوچی و شیمومورا (۲۰۱۴) طی تحقیقی با عنوان تفکر استراتژیک در EDIPS : (آموزش و سرگرمی برای برنامه ریزی فرآورده یکپارچه سیستم)، این مقاله آخرین الگوی توسعه بازی و انواع تفکر استراتژیک بازی کن ها در بازی را ارائه می دهد. تاثیر این بازی نشان داده می شود توسط برنامه های کامپیوتری در کارگاه های متعدد.

بی یونگ (۲۰۱۳) در مطالعه خود با عنوان سوابق و نتایج تفکر استراتژیک، با بررسی عوامل موثر بر تفکر استراتژیک در سطح سازمانی در زمینه های گوناگون مدیریت از جمله استراتژی بازاریابی، مدیریت استراتژیک و مدیریت منابع انسانی نشان دادند که نتیجه آشفتنگی بازار و تلاطم فن آوری، ترویج تفکر استراتژیک در سطح سازمانی است و یک رابطه مثبت بین تفکر استراتژیک و عملکرد بازاریابی وجد دارد.

کارگین، سیبل؛ آکتاش، رایبا (۲۰۱۲) طی تحقیقی با عنوان مهارت های تفکر استراتژیک حسابداران طی قبول IFRS و کد جدید تجاری (بازرگانی) ترکیه: یک بررسی و تحقیق پیمایشی از ترکیه، دریافتند که موقعیت شرکت ها به طور مثبت وابسته به بازتاب تفکر سیستمی است، درحالی که رابطه معناداری ارائه نمی دهد با چارچوب علاوه برمتغیرهای جنس و سن کار، تجربه و تحصیلات هیچ رابطه ی معنی داری با هر سه مهارت های تفکر استراتژیک ندارند.

واسیل و البو (۲۰۱۱) در تحقیقی میان نمونه ای از دانشجویان دانشگاه پلوسیتی دریافتند که دانشجویان، چیزی از نظریه هوش های چندگانه نمی دانند. اما در عمل (به ویژه در زندگی آکادمیک) از توانایی های خود، متناسب با رشد مهارت های ویژه شان استفاده می کنند.

سلیمان و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی روابط بین هوش های چندگانه دبیران علوم و ریاضیات با استراتژی های آموزشی مبتنی بر هوش های چندگانه در کلاس پرداختند. بدین منظور ۱۷۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب کردند و دریافتند که معلمان، استراتژی های آموزشی مبتنی بر هوش های چندگانه را در آموزش علوم و ریاضی را به روش های مختلف ارائه می دهند.

بیکرن و ازدمیر (۲۰۱۰) در تحقیقی به مقایسه بین سبک های تفکر و انواع هوش های دبیران مقطع پیش دبستانی، در شهر استانبول ترکیه، پرداختند و دریافتند که هوش غالب در میان دبیران، هوش زبانی-کلامی است.

پتاس و همکاران (۲۰۱۰) طی پژوهشی تحت عنوان «سنجش هوش سازمانی چندبعدی برای تعیین توانایی مدیریتی و سازمانی مؤسسات آموزش فنی حرفه ای دختران در استان های دیاربکر، سن لیورفا و کونیا در کشور ترکیه» نتایج نشان داد که سطح هوش سازمانی نسبت به مناطق و نواحی در سطح کلی با هم تفاوت چندانی ندارد. اما سطح هوش سازمانی بین معلمان و مدیران متغیر و متفاوت است.

ویلسون (۲۰۱۰) در مقاله ای درباره رابطه هوش های چندگانه با رهبری اشاره دارد که هوش چندگانه، مفاهیم برجسته ای برای موثر بودن، انتخاب، آموزش و پیشرفت رهبر دارد، هوش و استعداد به رهبری موثر کمک می کند و رهبران موثر دارای اشکال چندگانه هوش هستند. ویلسون همچنین بیان می کند که تنظیم مهارتهای مدیران و ایفای نقش درست، از چالش هایی است که توسط تئوری هوش چندگانه مخاطب قرار می گیرد.

برهان و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی مسائل و مشکلات استفاده از نظریه هوش های چندگانه در مدارس ابتدایی ترکیه، با استفاده از پرسشنامه هایی که به معلمان ابتدایی داده بودند، علاوه بر این که معلمان ابتدایی به صورت جزئی از این نظریه



آگاهند، مشکلاتی اعم از آموزش ناکافی موضوع، محدودیت زمان، نارسایی در شیوه های ارزیابی وعدم تطابق محتوای کتب با استفاده از نظریه هوش های چندگانه موجود می باشد.

چکیر و آدا (۲۰۰۸) طی پژوهشی با عنوان « آیا می توان هوش سازمانی مدرسه را از طریق آموزش ضمن خدمت توسعه داد؟ » تفاوت قابل ملاحظه ای را در هوش سازمانی مدیران، قبل و بعد از کارگاه آموزشی، نشان داد.

اینکا و روتا (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی به بررسی پردازش هوش سازمانی دانشجویان پرداختند، نتایج نشان داد که با افزایش هوش سازمانی افراد، میزان اثر بخشی آنان نیز افزایش می یابد.

ژانگ و هوانگ (۲۰۰۵) در پژوهش خود رابطه بین سبک های تفکر و پنج بعد شخصیت را بررسی می کنند. در این پژوهش که بر روی دانشجویان صورت گرفت طبق آنچه که پیش بینی می شد سبک تفکر خلاق و پیچیده با ابعاد برون گرایی و گشودگی و پذیرش ارتباط معناداری یافتند و هم چنین سبک های تفکر ساده و قاعده مند مرتبط با روان رنجورخویی شناسایی شدند و برای تیپ سازگار و وظیفه شناس هیچ الگوی خاصی که ارتباط با سبک تفکر داشته باشد یافت نشد.

مانو و اریون (۲۰۰۴) در تحقیقی به تعیین ویژگی های یک متفکر استراتژیک پرداخته اند. جامعه مورد بررسی شامل گروهی از مدیران ارشد خلبان است. که براساس توسعه نتایج و تجزیه و تحلیل داده ها صفات اصلی یک متفکر استراتژیک شامل شش صفت مرکب جدا شده یک متفکر یعنی ۱- رهبر خوب ۲- تجسم طولانی مدت سناریوهای آینده ۳- شکل گسترده استراتژی و اجازه دادن به جزئیات به ظاهر باهم ۴- دنبال کردن نشانه های محیطی برای توسعه آنچه باشد. ۵- شناسایی الگو براساس تفکر شهودی ۶- بازنویسی قوانین بازی است که مهمترین عوامل حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها می باشند.

لیماباتلهو (۲۰۰۳) در تحقیقی برای شناسایی هوش های چندگانه در کتب درسی، شش کتاب را مورد بررسی قرار داد. نتیجه حاصل نشان می دهد که هوش های کلامی/زبانی، درون فردی، بین فردی و فضایی/تصویری هوش های غالب در تمرینات این ۹۰/۰۸٪ و هوش بین فردی در ۷۶/۰۷٪ تمرینات. نتایج نشان می دهد که تمریناتی مثل بازی، تمرینات اضافی و ترکیب مهارتهای گفتگو و شنیدن باعث بالا بردن هوش های بیشتری می گردد.

### مواد و روش ها

این پژوهش با توجه به گردآوری داده ها توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش هایی است که هدف آن ها شناخت و توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. پژوهش ما از نوع همبستگی است چون رابطه ی بین متغیرها در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق را رؤسا و معاونین اداره کل و مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی تشکیل دادند که براساس آخرین آمار و اطلاعات موجود تعداد ۱۹۰ نفر می باشند که به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه ای براساس جدول مورگان برحسب ناحیه یا منطقه آموزش و پرورش که در مجموع ۳۹ منطقه و یک استان که ۴۰ بوده و با توجه به تعداد روسا و معاونین هر منطقه تعداد ۱۲۰ نفر نمونه وجود داشت که از این تعداد ۱۲ پرسشنامه مخدوش و ناقص بود که تعداد ۱۰۸ نفر نمونه انتخاب شد.

### روش های گردآوری اطلاعات

عمده ترین روش های جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر عبارت است از: مطالعات کتابخانه ای: در این قسمت جهت گردآوری اطلاعات در زمینه ی مبانی نظری و تدوین چارچوب نظری تحقیق، از منابع کتابخانه ای همانند کتاب، مقالات، همایش ها، و هم چنین منابع اینترنتی استفاده شده است. تحقیق میدانی: در این قسمت به منظور جمع آوری داده ها از روش میدانی استفاده شده است.

### تجزیه تحلیل داده ها

بر اساس اطلاعات جدول (۳-۴) ملاحظه می گردد که میانگین ابعاد هوش به ترتیب، هوش کلامی، هوش منطقی، هوش فضایی، هوش جنبشی، هوش موسیقی، هوش میان فردی، هوش درون فردی، هوش طبیعت



SPSS20 نظری و ادبیات موضوع، ابعاد استخراج و با استفاده از نرم افزارپرداخته شد. نتایج حاصل در این پژوهش نشان داد که تفکر استراتژیک با هوش طبیعت گرا قابل پیش بینی است.

### محدودیت های تحقیق

تحقیق حاضر همانند سایر تحقیقات دارای محدودیت هایی است که ممکن است نتایج تحقیق را خدشه دار کرده باشد. از جمله محدودیت های این تحقیق عبارتند از:

اکثر تحقیقاتی که از طریق پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز برای تأیید فرضیات را جمع آوری می کند، مشکل برقراری ارتباط با پاسخ دهندگان و ایجاد اعتماد در آن ها به منظور پاسخ دقیق و درست به سؤالات و از بین بردن ترس واضطراب آن ها وجود دارد. از آن جایی که روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بوده، ما نیز با این مشکل مواجه بوده ایم.

### منابع

- آذرپور، سمانه؛ ابویی اردکان، محمد؛ قلی پور، آرین (۱۳۹۴). ارتباط تفکر استراتژیک و نوع شخصیت مدیران در سازمان های رسانه ای، فصل نامه علوم مدیریت ایران، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۴۶-۴۵.
- اسماعیلی، علی؛ گودرزی، ناصر؛ شایسته، سیاوش (۱۳۸۶). مبانی روان شناسی عمومی، چاپ دوم، تهران، شلاک.
- آقازاده، هاشم (۱۳۸۵). توسعه تفکر استراتژیک یک قابلیت اصلی، مجله تدبیر، شماره ۱۴۹.
- امیر تیموری، محمد حسن (۱۳۸۲). نظریه ی هوش چندگانه و برنامه درسی، فصل نامه تعلیم و تربیت؛ سال نوزدهم، شماره ۶۵، ص ۴-۳۳.
- باقری هشی، مهدی؛ حدادی، محمد (۱۳۹۳). تأثیر هوش عاطفی بر بهره وری کارکنان سازمان های امنیتی، فصل نامه علمی- پژوهشی «امنیت پژوهی»، سال سیزدهم، شماره ۴۵.
- بنی هاشمیان، کورش؛ هادی بهرامی، احسان؛ مؤذن، منصور (۱۳۸۹). رابطه سلامت عمومی و هوش هیجانی و رضایت شغلی معلمان، مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، ص ۵۰-۴۰.
- پور صادق، ناصر؛ یزدانی، بهرنگ (۱۳۹۰). تأثیر قابلیت تفکر استراتژیک مدیران ارشد بر موفقیت شرکت های کوچک و متوسط، مطالعات مدیریت رهبری، شماره ۷، ص ۱۵۹-۱۴۳.
- جعفری، پریوش؛ فقیهی، علی رضا (۱۳۸۸). میزان مؤلفه های هوش سازمانی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دانش و پژوهش در علوم تربیتی- برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان، شماره ۲۳، ص ۶۶-۴۵.
- حاتمی تیرووری، اسماعیل (۱۳۹۴). نخستین کنفرانس بین المللی مدیریت و کارآفرینی، تهران مرکز همایش های توسعه ایران.
- حسینعلی، شفیعی، گیتی (۱۳۹۶). هوش موسیقیایی و آموزش ریاضی، آرمان رشد، تهران.
- خانلری، فریدون (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضایت شغلی معلمان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- رحمانی، زین العابدین (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش سازمانی و قدرت تفکر استراتژیک مدیران در محیط کسب و کار، مطالعه موردی: شرکت پالایش گاز سرخون و قشم، اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار.
- رحیمی، سعید؛ فضیلتی، منصوره (۱۳۹۵). کاربرد نظریه ی هوش های چندگانه گاردنر در آموزش و یادگیری، رویش روان شناسی، سال پنجم، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۶.
- رضایی، اکبر؛ خلیل زاده، احد (۱۳۸۸). رابطه بین هوش اجتماعی مدیران با رضایت شغلی معلمان مدارس، علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۴۵-۱۲۱.
- زارعی، ابراهیم؛ قلی ها، علی محمد (۱۳۸۹). مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک، نشر پیام، تهران.

Andreea, O S L.(2013). A multiple intelligence approach 2: Project- based Assessment. Procedia- social and behavioral sciences, 128, 504- 508.

- Armstrong, T R.(2009). Multiple intelligences in the classroom. Alexandria; V A: Associationpore supervision and curriculum Development.
- Bajcar, Beata; Babiak, Jolanta; S. Nosal, Czeslaw(2015). When Leaders become strategists. A new look at determinants of leadership styles through their relationship with strategic thinking, 6<sup>th</sup> International Conference on Applied Human Factors and Ergonomics(AHFE 2015) and the Affiliated Conferences, AHFE 2015.
- Berman, M (2001 ). ELT through multiple intelligences. Sample. Net Lear Publications, From:www.netlearnpublications.com.
- Beth, A. V.;& Michel, C. A.;& Philip, A. V.(2006). G and measurement of Multiple intelligence: A response to Gardner. Department of Psychology brock university, st. catharines, torio, Canada, 34,507-510.
- Bouhali, Ratiba; Mekdad, Yousra; lebsir, Hinda; Ferkha, Linda(2015). LeaderRoles for Innovation: Strategic Thinking and Planning, 3<sup>th</sup> International Conference on Leadership, Technology and Innovation Management.
- Burhan,Erdamar F.Selim,Yilmaz Emrullah.(2010).Problems encountered in the applications of multiple intelligence theory in primery schools in Turkey.Procedia-Social and Behavioral Sciences, Volume 9,2010,pages 1873-1877.
- Caki,R;&Ada,S.(2008).Can the organizational intelligence Be Developed in schools by inservice training?World Applied sciences journal,4(1),24-30.
- Celia, A H.(2013). Student interactions with CD-Rom storybooks: A look at Potential relationships between multiple intelligence strengths and Levels of interaction. Dissertation abstracts international section A: Humanities and social sciences, 73(9-8).
- Chan, D. W.(2003). Multiple intelligence and perceived self- efficacy among Chines secondary school teachers in Hong Kong. Educational Psychology, 23, 5. University of Hong Kong.
- Coban,D;& Dubaz, I.(2011). The relationship between active learning models In music lessons in elementary schools multiple intelligence areas. Procedia social and behavioral sciences. 28. 6.
- Collings,David,G;Mellahi,Kamel and Schuler. R. (2017). “Talent management: a systematic review and future prospects”. European J, International Management, Vol, 11, No, 1, pp, 86-128.
- Cooper, F.(2008). An Examination of the impact of multiple intelligences and meta cognition on the mathematics Students. Un Published Ph.D dissertation, Cappla University.
- Deborah, S. L.(2004). A comparison of multiple intelligence profiles in College sigers and non- singers with implication for teachers of Singing. Dissertation Abstracts. International Section A: Humanities And Social Sciences . 65(3- A), PP.760. Procedia social behavioral Sciences, 31, 361- 366.
- Deeboonmee,W,Ariratana,W.(2014).Relationship between Strategic Leadership and School Effective.Procedia- Social and Behavioral Sciences112,982-985.
- Dixit, Avinash; Nalebuff, Barry(1991). Thinking Strategically, Publisher: W. W. Norton& Company.
- Díaz-Posada, L. E., Varela-Londoño, S. P., & Rodríguez-Burgos, L. P. (2017). Multiple Intelligences and Curriculum Implementation: Progress, Trends and Opportunities. Revista de Psicodidáctica (English ed.), 22(1), 69-83.
- Douglas, O; Burton, K S;& Reese D N.(2008). The effect of the multiple Intelligence teaching strategy on the academic achievement of eight Grade math students. Journal of instruction psychology, 35(2), 182-87.
- Gardner,H.(2006).`Multiple intelligences”.2<sup>nd</sup> Edition,NewYork:Basic Books, PP:54-60.

Gardner,L;Stoug,C.(2003).Assessing The Relationship between Workplace Emotional Intelligence,Job Satisfaction and Organizational Commitment.Australian Journal of Psychology.VOL55,PP.1-5.

Gardner,H.(1999).Intelligence reframes : multiple intelligence for 21<sup>st</sup> century. NewYork:Basic Books.

Gardner,H.(1995).`Leading minds:anatomy of leadership”.NewYork:Basic Books,p:75.

Gardner,H.(1983).Farnes of Mind,the Theory of Multiple Intelligence. NewYork:Basic Books.